

دو روی داخلی و خارجی جبهه یا "شورای ملی صلح"

همانگونه که پیش بینی می شد، اعلام "شورای ملی صلح" و تشکیل کمیته تدارک مقدمات نخستین همایش آن در ایران، واکنش های گسترده ای در داخل و خارج از کشور یافت. این پیشنهاد از سوی خانم شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل و از بنیانگذاران کانون دفاع از حقوق بشر در ایران، در یک کنفرانس خبری در محل کانون یاد شده اعلام شد و خانم نرگس محمدی، از فعالان حقوق بشر در ایران، تا نخستین همایش این شورا، بعنوان سخنگوی کمیته تدارکاتی انتخاب شد. در نخستین کنفرانس خبری که در آن ضرورت تشکیل شورای ملی صلح اعلام شد، آقایان مهندس عزت الله سحابی سخنگوی شورای ملی مذهبی های ایران، دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی ایران و خانم سیمین بهبهانی عضو برجسته کانون نویسندگان ایران حضور داشتند، که ترکیبی از پیشگامان تشکیل شورای ملی صلح را به نمایش گذاشتند.

در خارج از کشور، احزاب و سازمان های سیاسی، به فراخور درک و شناختی که از اوضاع کنونی ایران دارند و متأثر از بینشی که از خطر حمله نظامی به ایران و همچنین نقش حاکمیت نظامی جمهوری اسلامی دارند، نسبت به تشکیل "شورای ملی صلح" و ضرورت تشکیل آن اعلام موضع کردند. این موضع گیری ها عموماً مثبت بود، مگر در طیف راست و سلطنت طلبی که امید به دوران پس از حمله به ایران دارد. در داخل کشور نیز، همانگونه که قابل پیش بینی بود، مخالفان چنین حرکت و تشکیل چنین شورا ئی مجریان نظامی و امنیتی سیاست جنگی بودند. همان ها که این سیاست را به فعالیت های اتمی نیز پیوند زده اند و اگر پیوند عملی هم نداشته باشد، سخنان و موضع گیریهای آنها این پیوند را تداعی می کند.

یک هفته پس از اعلام شورای ملی صلح و نشست خبری در کانون مدافعان حقوق بشر، شورای ملی مذهبی های ایران، در یک بیانیه تحلیلی همه جانبه، اوضاع کشور، خطر حمله به ایران، حضور امریکا در عراق و خلیج فارس و افغانستان، نقش حاکمیت نظامی- امنیتی جمهوری اسلامی، خطراتی که منتقدان و اپوزیسیون داخلی این سیاست و حاکمیت را تهدید می کند و آینده هول انگیزی را که در صورت آغاز حمله و جنگ برای ایران می توان متصور شد بررسی و منتشر کرد. این بیانیه، شاید همه جانبه ترین نگاهی باشد که در داخل کشور تاکنون پیرامون مباحث مورد اشاره در بالا، از سوی منتقدان و اپوزیسیون خارج از حاکمیت در داخل کشور منتشر شده است. ما، مطالعه آن را، - علیرغم مفصل بودن آن- به همه علاقمندان به سرنوشت ایران توصیه می کنیم.

همزمان با اعلام حمایت ها و مخالفت ها با تشکیل "شورای ملی صلح" بحث ها و سئوال های مهمی نیز در ارتباط با این شورا و جنبه های گوناگون ضرورت آن مطرح شده است، که بنظر ما، حتماً باید برای آنها پاسخ مستدل یافت. از جمله می پرسند:

- اگر حمله ای صورت نگیرد و یا خطر حمله و جنگ منتفی شد، تکلیف این شورا و در واقع "جبهه صلح" چه می شود؟ بهتر نیست چند خواست دیگر را هم به آن اضافه کنیم تا در چنین صورتی بتوان از آن جنبه های دیگر جبهه دفاع کرد؟

بنظر ما، کسانی که این سئوال را طرح می کنند، علیرغم حسن نیت و دغدغه ای که بدرستی دارند، به چند نکته مهم توجه ندارند. نخست آنکه در هر مرحله از گذار یک جنبش ملی، عمده ترین موضوع مورد توجه مردم که با سرنوشت یکایک آنها در ارتباط است باید محور و

شعار قرار گیرد. قرار گرفتن هر نوع خواست دیگری در کنار مسئله عمده، از اهمیت آن کم می‌کند. خواست‌های دیگر، که بی‌شک در پیوند با موضوع و شعار اصلی جبهه است، باید در بیانیه‌های تحلیلی جبهه گنجانده شود و در عین حال جامع بودن شعار جبهه و ابعاد مختلف آن چنان باید برای هدایت کنندگان و بنیانگذاران جبهه مشخص و معلوم باشد که توضیح آن برای مردم آسان‌تر از توضیح پیرامون شعار جبهه باشد. مثلاً وقتی ما می‌گوییم "صلح" مبرم‌ترین شعار این مرحله از جنبش عمومی مردم ایران برای حرکت به جلو و بیرون آوردن کشور از بحران است، باید بدانیم و به مردم بگوییم که این شعار، یعنی "صلح" عملاً روی دیگری نیز دارد و آن نیست مگر مقابله با مخالفان داخلی صلح و طراحان و مجریان سیاست نظامی و جنگی. بنابراین، دفع خطر حمله به ایران و دورن شدن سایه جنگ از سر کشور، هرگز به معنای پایان وظیفه جبهه صلح نیست. نیمه دوم وظیفه جبهه صلح، برکناری جنگ طلبان از حاکمیت و خاتمه بخشیدن به حکومت نظامی‌ها و سپاهی‌های مجری سیاست جنگی است. یعنی به زیر کشیدن سیاست نظامی-جنگی و بازگرداندن کشور به حالت صلح و شرایط عادی. این بخش و این وجه از وظائف جبهه صلح، هرگز کمتر از وجه بیرونی آن، که خطر حمله از خارج به کشور است، نیست.

بدین ترتیب است که جبهه صلح، عملاً جبهه مقابله حاکمیت نظامی - جنگی نیز هست و تا هر دو منظور حاصل نشود و این جبهه به دو هدف اصلی خود دست نیابد، یعنی دور کردن خطر جنگ و حمله به ایران و تغییر سیاست جنگی و ترکیب هیات حاکمه نظامی و جنگی، کار و وظیفه آن پایان یافته نیست.

بنابراین "جبهه صلح" نیازمند گوشواره‌های مثلون نیست، چرا که بقول مولوی "وقتی ۱۰۰ آمد، ۹۰ هم نزد اوست".

دفاع از صلح و صف آرایی در برابر مجریان و طراحان سیاست جنگی در جمهوری اسلامی، در دل خود مقابله با ریختن ثروت کشور به پای سیاست نظامی و آزاد کردن این ثروت برای آموزش و درمان و بهداشت، رشد صنایع تولیدی بجای صنایع نظامی، خاتمه بخشیدن به توجیه جنگی بودجه‌های نظامی، جلوگیری از صرف بودجه‌های محرمانه چندین و چند میلیارد دلاری در کشورهای منطقه برای یارگیری، گشایش فضای سیاسی کشور و دهها درد اجتماعی دیگر است که در مجموع خود بحران عمومی را در کشور شکل بخشیده‌اند. همه این نکات را نه می‌توان در یک شعار مرحله گنجانده و نه ضرورت آن هست. عمده‌ترین تضاد مردم با حاکمیت را در هر مرحله باید کشف کرد، در راس همه شعارهای دیگر قرار داد و بقیه خواست‌ها را در دل آن و در ارتباط با حل آن گنجانده.

در دل پاسخی که در بالا و در ارتباط با سؤال طرح شده نوشتیم، پاسخ آن زمزمه‌هایی نیز نفهته است که از دو سوی ماوراء چپ و راست مطرح می‌شود. یعنی آنها که می‌گویند و می‌پرسند اگر ما در برابر خطر حمله به ایران متحد و متشکل شویم و مردم را برای آن بسیج کنیم، به حکومت کمک کرده ایم که پشت سنگری که ما علیه امریکا گشوده ایم پنهان شود.

به این عده نیز مطالعه دقیق پاسخ بالا را توصیه می‌کنیم. یعنی توجه به دو وجه داخلی و خارجی شعار "صلح" و "جبهه صلح".

گروه دیگری مطرح می‌کنند که وقتی ما از صلح دفاع می‌کنیم، در عمل حاکمیت را برای مقابله با حمله نظامی به کشور تضعیف می‌کنیم و این مغایر با مبارزه ضد امپریالیستی است. به این گروه نیز یاد آور می‌شویم که اتفاقاً سیاست جنگی حاکم که به تشدید تفرقه ملی کمک کرده، به تقویت ارتجاع مذهبی، تاراج ثروت کشور و صف بندی‌های باز هم بیشتر خودی و غیر خودی را موجب شده، خود بزرگترین کمک به امپریالیسم امریکا برای سلطه بر منطقه، بر نفت ایران و منطقه و حتی بر ایران موزائیکی شده است.

اینست آن روش و بینش توده ای، برای یافتن شعار جبهه های مرحله ای. متاثر از همین
بیش، راه توده از یکسال و نیم پیش در تمام سرمقاله های خود روی ضرورت تشکیل "جبهه
صلح" متمرکز شد و دلایل ضرورت آن را بازگفت و تاکید کرد که این جبهه و این شعار هم
علیه دخالت نظامی خارجی است و هم علیه حاکمیتی که سیاست جنگی را بر کشور تحمیل
کرده است.
ما باز هم در باره "جبهه صلح" سخن خواهیم گفت.

راه توده ۱۵۹ ۰۳،۱۲،۲۰۰۷